

احیاگر باشد، به خواسته خود یا به واسطه حکم قانون‌گذار، صلاحیت چنین کاری را از دست داده است. در این زمینه نیز باید اصلاحات لازم قانونی به‌ویژه در مواد (۱۰) و (۱۲) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵ صورت گیرد. البته این قانون باید به قانونی جامع‌تر تحول یابد که سامانی اساسی به تمام مراجع شبه قضایی و دادگاه‌های اداری بدهد. در واقع مراجع شبه قضایی متعددی همانند هیأت رسیدگی به تخلفات اداری، کمیسیون‌های مالیاتی و ماده ۱۰۰ شهرداری‌ها و مانند آن وجود دارند که هر یک از نظمی متفاوت با دیگری تبعیت می‌کند و به طور معمول نیز از اجرای قواعد دادرسی عادلانه در آن‌ها خبری نیست. نظم بخشی بنیادی در این زمینه نیز از الزامات تحول در نظام قضایی برای احیای حقوق عامه است.

ساختار و صلاحیت ستاد حقوق بشر

ستاد حقوق بشر با پیشنهاد رئیس وقت قوه قضائیه پس از طرح و بررسی در شورای عالی امنیت ملی و در نهایت در سال ۱۳۸۱ با تصویب مقام معظم رهبری (مدظله) تشکیل شد. بر اساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی از مهم‌ترین وظایف ستاد حقوق، تمرکز فعالیت‌های نظام در زمینه مسایل حقوق بشری استفاده بهینه از امکانات و اجرای دقیق طرح تصمیمات مربوط است. در این ساختار ضمن اینکه ستاد به عنوان مرجع ملی و رسمی کشور در تمام مسایل حقوق بشر معرفی می‌شود، ضرورت ارتباط و هماهنگی تمام سازمان‌های ذی‌ربط با این ستاد تعریف و بر آن‌ها تأکید شده است. بنابراین اعضای این ستاد با ریاست رئیس قوه قضائیه عبارتند از: دبیر ستاد حقوق بشر، دادستان کل کشور، رئیس دیوان عالی کشور، وزیر کشور، وزیر دادگستری، وزیر امور خارجه، وزیر اطلاعات، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، مسئول کمیته حقوقی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، معاونت امنیت بین‌الملل دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، فرمانده نیروی انتظامی و دو نفر از حقوق دانان یا قضات با سابقه.

آیین نامه ستاد حقوق بشر برگرفته از مصوبه ۴۳۵ شورای عالی امنیت ملی، بر اساس اصل (۱۵۶) قانون اساسی تنظیم شد. ستاد حقوق بشر برخلاف

اساسنامه، در وبسایت خود رویکردش را بیشتر بر نقادی بین‌المللی حقوق بشر در جهان و طرح مباحث نظریه متمرکز کرده است.

بر این اساس فعالیت‌های حقوق بشری نظام در حالت تهاجمی در سطوح مختلف از قبیل تبیین مواضع اصیل حقوق بشری اسلامی و در عین حال دفاع از قوانین مترقی نظام و حتی نحوه اجرای این قوانین در کلیت آن، در مجموعه مکاتبات این ستاد با مجامع بین‌المللی و حضور اعضای ستاد در این مجامع سرفصل جدید بیان مواضع حق جمهوری اسلامی ایران در این زمینه‌ها است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام حکومتی مبتنی بر عقلانیت اسلامی، خود را آماده مواجه شدن با چالش حقوق بشری غربی همراه ابتکارات و نوآوری جدید می‌داند. راهبرد کلی ستاد، رویکردی تعاملی و در عین حال متناسب با هجمه‌های آن‌ها در مقابل، تهاجمی خواهد بود.

همچنین در همین پایگاه از وظایف این ستاد «پاسخگویی به مواضع و بیانیه‌های کشورها (بیشتر غربی)، تبیین نظر اسلام درباره موضوعات حقوق بشری» و ایفای نقش محوری در خصوص طرح مسایل حقوق بشری معرفی شده است.

در بررسی این نهاد و عملکردهای آن، به نظر می‌رسد که رویکرد غیرداخلی و بیشتر نظری و تهاجمی عمده اقدامات ستاد را به خود اختصاص داده است که در عمل به معنای احیای حقوق عامه نیست. ترکیب اعضای ستاد و فقدان حضور برخی از اعضای بسیار مهم در احیای حقوق عامه از جمله رئیس دیوان عدالت اداری، به کاستی کارکردی این نهاد در کنار بالا بودن سهم مراجع امنیتی در آن اشاره دارد. به علاوه در پایگاه مربوطه صحبتی از «حقوق عامه» به میان نیامده است و همان ایراد مفهومی یاد شده ذیل «حقوق شهروندی» در فعالیت‌ها و پایگاه رسمی این سایت مشاهده می‌شود. این در حالی است که ستاد به موجب اصل (۱۵۶) قانون اساسی و برای هماهنگی سازمانی جهت احیای حقوق عامه تشکیل شده و خود را «نهاد ملی حقوق بشر» می‌داند و در هر دو مورد نیز اقدامات در خور توجهی انجام نداده است؛ به‌ویژه آنکه پذیرش این نهاد به عنوان نهاد ملی مطابق با الزامات ساختاری مطابق اصول پاریس در سال ۱۹۹۱ به خصوص ترکیبی شامل گروه‌های اجتماعی و رویکردی برای صیانت از حقوق مردم در مقابل

خودسری نهادهای دولتی و نقض قوانین نیست.

ساختار و صلاحیت سازمان بازرسی کل کشور

سازمان بازرسی کل کشور طبق اصل (۱۷۴) قانون اساسی برای نظارت بر حسن اجرای عموم و حاکمیت قانون در دستگاه‌های اجرایی تشکیل شده است. این سازمان که یکی از سازمان‌های زیرمجموعه قوه قضائیه است، در واقع وظیفه قوه قضائیه را طبق بند سوم اصل (۱۵۶) قانون اساسی اجرا می‌کند. از آنجا که این نظارت برای تأمین حاکمیت قانون است، در عمل از سوی سازمان بازرسی و تحقق نظام «اداره خوب» در دستگاه‌های اجرایی نظارت می‌کند و از سوی دیگر مانع خودسری ادارات در تضییع حقوق ملت می‌شود. نتیجه اینکه عملکرد سازمان بازرسی کل کشور، بدون تردید بر احیای حقوق عامه مؤثر است که اغلب با ناکارآمدی و اقدامات خودسردستگاه‌های اجرایی فوت می‌شود.

این نقش بی‌بدیل سازمان بازرسی کل کشور سبب شد این سازمان در سال ۲۰۰۷ عضو مؤسسه زمان آموذزمان بین‌المللی شود. آموذزمان مرجع پیگیری حقوق شهروندان از طریق کشف مظالم وارده توسط ادارات دولتی و پیگیری آن در مراجع انتظامی یا قضایی است. به این ترتیب آموذزمان در هر کشور زیر نظر مجلس و در برخی کشورها مانند فرانسه زیر نظر قوه مجریه است.

آموذزمان به عنوان یک مرجع عالی مستقل حکومتی، درباره شکایات رسیده از جانب مردم تحقیق و آن‌ها را بررسی می‌کنند و در صورت احراز نقض حقوق و تجاوز به قانون، یا از طریق سازش میان فرد و دستگاه مربوطه یا از طریق مراجعه به مقامات عالی اداری یا از طریق مراجعه به دادگاه و در نهایت افشای علنی تخلف، از حقوق مردم و منافع عامه صیانت می‌کند.

اگر آموذزمان را ناظر به برخی از وظایف سازمان بازرسی کل کشور بدانیم، در نظام حقوقی ایران این نهاد زیر قوه قضائیه تشکیل شده است. با این حال بر خلاف همه آموذزمان‌ها این سازمان، امکان مراجعه مستقیم مردمی را ندارد. فقط مطابق بند «ب» ماده دوم قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، «مقام معظم رهبری و رئیس قوه قضائیه یا درخواست رئیس جمهوری یا کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی یا بنا به تقاضای وزیر یا مسئول دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط یا رئیس